



سخنرانی در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران استان قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عج) - 30 /بهمن/ 1370

بسم الله الرحمن الرحيم

مجلس بسیار معطر و منوری است؛ معطر به عطر شهادت، و منور به نور بازماندگان شهدای عزیزمان است؛ که پدران و مادران و همسران و فرزندان شهدا، از لحاظ فداکاری و گذشت در راه خدا، تالی‌تلی خود آن شهیدانند. امیدوارم که ارواح مطهره‌ی شهیدان عزیز ما، هم در دنیا برای ما راهنما و راهبر و تصحیح‌کننده‌ی خطاها باشند، و هم در پیشگاه پروردگار عالم در قیامت، شفیع و واسطه‌ی عفو و مغفرت برای ما باشند.

آن چیزی که در کشور ایران واقع شد و بلاشک در همه‌ی ادوار تاریخ این کشور - تا آن‌جا که ما خوانده‌ایم و دیده‌ایم - سابقه‌ی ندارد، ایستادگی و فداکاری عمومی و یکپارچه‌ی مردم در راه خدا بود که در مقابل تجاوز و نامردمی دشمنان صورت گرفت. نقطه‌ی اوج این حادثه‌ی استثنایی و بی‌نظیر، همان حرکت درخشانی بود که از ستارگان آسمان انسانیت زمان ما - یعنی همین شهیدان عزیز ما - سر زد. این جوانانی که این‌طور با شور و شوق، بدون این‌که به آرزوها و شهوات جوانی کمترین اعتنایی بکنند، به جبهه‌ها رفتند و حقیقتاً با عشق و محبت الهی جان دادند، به نظر بنده این برجستگان زمان ما، از صدر اسلام به بعد، در هیچ‌یک از دوره‌ها، از لحاظ کمیت و کیفیت نظیر ندارند. عده کثیری از این عزیزان هم همین حرکت و همین شجاعت را بخرج دادند و به‌صورت جانباز درآمدند؛ عده‌ی هم به اسارت افتادند و در دوران اسارت هم از خود عظمت نشان دادند؛ عده‌ی هم - که بحمدالله کم نیستند - همچنان در میان مردم هستند و برای دفاع از این انقلاب، ذخیره‌های الهی محسوب می‌شوند. این مجموعه‌ی جوان - چه آنهایی که شهید شدند، چه آنهایی که جانباز شدند، چه آنهایی که اسیر شدند، چه آنهایی که هنوز مفقودالاثردند و از حال آنها کسی مطلع نیست - جزو معجزات انقلاب در زمان ماست. چه کسی می‌توانست این دل‌های پاک و مطهر را این‌طور یکپارچه متوجه به خدا بکند؟ این معجزه‌ی اسلام انقلابی و اسلام پُر‌تپش بود؛ ناشی از اخلاص آن مرد خدا، آن بنده‌ی صالح و آن رهبر واقعی و حقیقی بود که در خط رهبری پیامبران حرکت می‌کرد؛ راه و نَفَس و عمل او این حادثه‌ی عظیم را آفرید.

عزیزان من، پدران شهدا، مادران شهدا، که دسته‌های گل پروریده‌ی در دامان خودتان را در راه خدا دادید و پریر شدن آنها را تحمل کردید! جوانان عزیز جانباز، که در اول جوانی، سلامت خودتان را برای خدا و در راه خدا تقدیم کردید! همسران شهدا، فرزندان شهدا، که مصایب مشکل را تحمل کردید! من این حقیقت را به شما عرض کنم که اگر این معجزه اتفاق نیفتاده بود، اگر جوانان و نورچشمان شما این‌طور مجذوب حق به سمت مقتل خودشان نمی‌رفتند و فداکاری نمی‌کردند، امروز از اسلام در دنیا خبری نبود؛ که هدف استکبار هم این بود. اگر می‌بینید که امروز در دنیا پرچم اسلام بلند است؛ اگر می‌بینید که ملت‌های مسلمان احساس شخصیت و هویت می‌کنند؛ اگر می‌بینید که نعره‌ی الله اکبر بچه‌مسلمانها در سرتاسر کشورهای اسلامی، تخته‌های قدرت استکباری را به لرزه درآورده و اسلام عزیز است و در دنیا مطرح است؛ بدانید که این افتخار به‌وسیله‌ی فرزندان شما، به‌وسیله‌ی همین خونهای پاک، به وسیله‌ی همین گذشتها و ایثارها به‌دست آمد؛ بدون اینها نمی‌شد. این تحول عظیمی که اسلام انقلابی و لطف الهی در دلها به‌وجود آورد و این‌طور همه را مشتاق به سمت جبهه‌ها کشاند و فداکاربها را به بهترین وجه در مقابل چشم جهانیان



قرار داد، اگر اینها نبود، قضیه این طور نمی شد. امروز مستکبران عالم از اسلام می ترسند؛ چون جوانان شما را دیده اند؛ چون جبهه های شما را دیده اند؛ چون بسیج را دیده اند؛ دیده اند که این مردم چه طور مثل اقیانوسی خروشان به طوفان می آیند و از هیچ چیزی در راه خدا نمی هراسند؛ چون پدران و مادران را دیده اند؛ دیده اند که مادر با آن عاطفه ی رقیق و جوشان - که هیچ مادری نمی تواند تحمل کند که خاری به پای فرزندش برود - از جوان خودش در راه خدا آن چنان آسان می گذشت که همه را به حیرت در می آورد. يك شهید، دو شهید، سه شهید، چهار شهید؛ این پدران و مادران و همسران و کسان این عزیزان و جوانان ما آن چنان تحمل کردند که انسان از حیرت و تعجب، هرچه نگاه می کند، نظیری برای آن پیدا نمی کند. این صبرها بود که لطف خدا را متوجه این ملت کرد.

برادران عزیز! هیچ کار بزرگی جز با فداکاری و صبر به دست نمی آید؛ هیچ هدفی جز با تلاش و مجاهدت به دست نمی آید. آن روزی که مسلمانان نشستند تا دنیا و آخرتشان تأمین بشود، اما هیچ حرکتی از خود نشان ندادند، دنیا را که در نقد از دست دادند؛ آخرت را هم که خدا می داند! اما مردم در انقلاب ما - که مسلمانان را نیز به حرکت درآورد - به فضل پروردگار، عزت و شرف و پیشرفت دنیا را به دست آوردند؛ «و ما عند الله خیر و ابقى»؛ (1) روشنی چشم آنها، پیش خدا و در آخرت است.

من بخصوص به شما جوانان عرض می کنم که صحنه های مبارزه و انقلاب، شاید به شکل های دیگر همچنان ادامه دارد. استکبار جهانی، دشمنان خونی اسلام، آنهایی که از اسلام می هراسند و می دانند که اسلام مانع غارتگری آنهاست، بیکار ننشسته اند. دشمنان بزرگ و پُر مکر و فن ما، از این اسلام عزیز و ناب، از این نظام جمهوری اسلامی - که برای اولین بار بعد از صدر اسلام، در دنیا نظامی بر پایه ی مقررات اسلام تشکیل می شود - و از این حرکت عظیمی که موجب شد دست دشمن از این کشور کوتاه بشود، حاضر نیستند بگذرند.

ما باید بیدار و هشیار باشیم؛ باید همواره خود را در جبهه ی کارزار حس کنیم. هر جا هستید - در مدرسه، در دانشگاه، در بازار، در حوزه ی علمیه، در مسؤولیت های دولتی، در شهر، در روستا - باید احساس يك سرباز و يك بسیجی را داشته باشید. امروز به فضل پروردگار این احساس با امید بیشتری همراه است؛ زیرا ملت ایران تجربه کرد و دید که تلاش و کید دشمن نمی تواند مؤمنان را ناکام کند و اثری بگذارد. بحمدالله امروز جمهوری اسلامی از سالهای قبل بسیار قوی تر، بسیار آبرومندتر و بسیار آماده تر برای حرکت های بزرگی است که خدای متعال برای او مقدر کرده است؛ و همه ی اینها علی رغم میل دشمنان است؛ همه ی اینها بر اثر صبر و تلاش دوستان مخلص و ملت مقاوم و عظیم الشان ایران و همین جوانان و همین پدران و مادران است؛ و این نیست مگر فضل الهی و تفضلات پروردگار.

اگر می گوییم راه شهدا را باید ادامه بدهیم، یعنی این احساس که اسلام و انقلاب اسلامی، به تلاش و مجاهدت و صبر ما نیازمند است. این احساس، همان احساسی است که شهدای عزیز ما را از خانه و کاشانه و آسایش و درس و کار و تلاش های روزمره ی زندگی جدا کرد و به جبهه های نبرد کشانید. این خاطراتی که از این عزیزان منتشر می شود، این حوادث بسیار پُرشکوهی که امروز به قلم رزمندگان و بعضاً شهدای ما بر صفحه ی کاغذ نقش بسته و در اختیار همه است، برای ما درس است.

امیدواریم که روح مقدس امام بزرگوارمان همواره پشتیبان شما باشد و قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) از شما راضی و خشنود باشد. به امید موفقیت های روزافزون نظام جمهوری اسلامی.



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

والسلام علیکم ورحمة الله و بركاته

(1) قصص: 60